

نزدیک تر از هر زمان دیگر به
یک جنگ تمام عیار منطقه‌ای

رندا اسلیم

پژوهشگر اندیشکده
مؤسسه خاورمیانه

ترور فواد شکر، فرمانده ارشد حزب الله در روز ۳۰ ژوئیه و بلافاصله ترور اسماعیل هنیه، رهبر حماس در روز بعد، ضربه‌ای دوگانه و تحقیرآمیز به ایران و محور مقاومت بود. این واقیعت که دو ترور به ترتیب در مرکز اقتدار حزب الله و در پایتخت ایران رخ دادند، تضمین کرد که قطعاً واکنش تلافی جویانه از سوی تهران و حزب الله قطعی باشد. اظهارات علنی از سوی آیت الله علی خامنه‌ای، رهبر معظم ایران و حسن نصرالله، دبیرکل لبنان در واقع هیچ راه فراری برای مذاکرات با هیچ‌یک از دو طرف و احتمال خویشتن‌داری بر جانگذاشت. در مورد زمان و نحوه تلافی ایران و حزب الله فقط می‌توان گمانه‌زنی کرد. روز بعد از ترور هنیه، رهبران محور مقاومت که برای حضور در مراسم تحلیف مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران در تهران حضور داشتند، برای ارزیابی نحوه واکنش با یکدیگر ملاقات کردند. این واقیعت که دیداری بین رهبران محور مقاومت اتفاق افتاد، دلالت بر این دارد که به احتمال بسیار قوی، واکنش تلافی جویانه با مشارکت همه گروه‌ها رخ خواهد داد.

حسن نصرالله در سخنرانی خود به تاریخ یک اوت گفت که منازعه حزب الله و اسرائیل وارد مرحله جدیدی شده است. معنای سخن او این بود که قوانینی که باعث مهار نحوه برخورد اسرائیل در جنگ فرامرزی با اسرائیل می‌شد، از جمله قواعدی مانند هدف قرار ندادن شهرهای بزرگ و مناطق غیرنظامی، حالا دیگر از بین رفته‌اند. واکنش حزب الله به ترور فواد شکر، از قواعد جدیدی پیروی خواهد کرد.

دولت ایالات متحده آمریکا نشان داده است که یا نمی‌تواند و یا نمی‌خواهد متحدان خود را در اسرائیل کنترل و مهار کند. بلافاصله پس از این دو ترور، دولت آمریکا به سرعت اعلام کرد که نقشی در کشتن فواد شکر نداشت و از ترور هنیه نه اطلاع داشت و نه در آن نقشی داشت. برداشت عمومی در محور مقاومت از این اظهارات این است که دیگر نمی‌توان برای جلوگیری از یک جنگ منطقه‌ای به واکنش اتکا کرد.

تا به امروز، محور مقاومت علاقه‌ای به شروع چنین جنگی نشان نداده است. ایران در میانه مسئله جانشینی قرار دارد و حزب الله و لبنان باید با بحران گسترده اقتصادی کنار بیایند. هیچ‌یک از این دو نمی‌خواهند که افکار عمومی و حمایت بین‌المللی را از فلسطین منحرف کنند و هیچ‌یک نمی‌خواهند که وارد جنگ با ایالات متحده آمریکا شوند. اما هر دو می‌دانند که دولت بایدن علاقه‌مند است جلوی یک جنگ تمام‌عیار منطقه‌ای را بگیرد. در عین حال می‌دانند که دولتی که قرار است پنج ماه دیگر قدرت را تحویل دهد، قدرت مانور ناچیزی دارد. دولت کنونی آمریکا نیز نمی‌تواند به ایران و گروه‌های نیابتی‌اش مشوق قابل توجهی ارائه دهد تا خویشتن‌داری کنند و در عین حال به نظر می‌رسد که در جلوگیری از رفتار تشدیدکننده اسرائیل ناتوان است.

بعد از ۱۰ ماه جنگ اسرائیل علیه غزه، دولت آمریکا هم کنترلش بر متحد خود را از دست داده و هم ترس دشمنانش ریخته است. در نتیجه واکنش، اگر نگوئیم هیچ، دست بالا اثر محدودی بر محاسبات هزینه و فایده تشدید تنش در طرف‌های درگیری دارد. خاورمیانه امروز از هر زمان دیگری به یک جنگ تمام‌عیار منطقه‌ای چند جبهه‌ای نزدیک تر شده است.

شکستن چرخه تلافی

آیا پس از ترور مقام‌های حماس و حزب الله راهی برای برون‌رفت از بحران در خاورمیانه باقی مانده است؟

نتایج تکرار این درگیری را در میان افکار عمومی ایران افزایش داده است. سیدمحمدحسین عادل، سفیر پیشین ایران در بریتانیا، ژاپن و کانادا، معتقد است که اقدام نتانیاها با هدف کشیدن ایران و آمریکا به یک جنگ مستقیم انجام شده است. او در گفت‌وگویی پایگاه خبری انتخاب می‌گوید: «ترور هنیه یک عملیات خرابکارانه تروریستی بوده که هدفش افزایش تنش در منطقه و کشیدن پای ایران به یک جنگ مستقیم است. هدف این بوده که ایران پاسخ بدهد و نتانیاها پای ایران و آمریکا را به یک جنگ بکشاند و ایران و آمریکا را مستقیماً درگیر کند. این کار به نفع نتانیاهاست زیرا موضوع آتش‌بس دائمی در غزه و طرح دودولتی به محاق می‌رود و از طرف دیگر تشنج بین ایران و آمریکا باعث شکست احتمالی دموکرات‌ها و پیروزی احتمالی ترامپ می‌گردد.» در برابر سعید جلیلی، نامزد شکست‌خورده انتخابات اخیر ریاست جمهوری در ایران و عضو مجمع تشخیص مصلحت‌نظام در سخنرانی خود تأکید می‌کند که پاسخ ایران به جنایت اسرائیل باید محکم باشد. او می‌گوید: «مردم ما امروز این مطالبه را دارند که باید پاسخی محکم به اسرائیل داده شود... امروز فرصت تاریخی در اختیار ایران اسلامی قرار دارد و دشمنان طی صد سال اخیر در منطقه ما جنایات بسیاری را انجام دادند و امروز باید از قدرت کشور حراست کرد.»

المائیتور در گزارشی از واکنش‌ها در ایران به حمله اخیر اسرائیل می‌نویسد: «مقام‌ها و فعالان هوادار تعامل با غرب، در کارزارهای رسانه‌ای خواستار واکنش نمادین می‌شوند، چراکه نگران این هستند سوءمحاسبه در حمله، به دلیل غیرقابل پیش‌بینی بودن واکنش اسرائیل و شروع یک چرخه غیرقابل تلافی جویانه، فاجعه‌ای رخ دهد. در برابر فعالان تندروتر پافشاری می‌کنند که جنگ تمام‌عیار گریزناپذیر است و وقت آن رسیده است که ایران برنامه دیرینه‌اش را برای محو اسرائیل عملی کند و این غده سرطانی را یک بار برای همیشه از بین ببرد.»

این باور که اسرائیل با اقدام به ترور هنیه در تهران تلاش کرد ایران را وارد یک نبرد گسترده در منطقه کند، از سوی بسیاری از تحلیل‌گران و کارشناسان مورد توجه قرار گرفته است. نورمن فینکلستین، پژوهشگر مسائل سیاسی در گفت‌وگو با برنامه سانورننده با پیرس مورگان، با اشاره به عملکرد اسرائیل در دهه ۱۹۵۰ در مقابل مصر تحت حاکمیت جمال عبدالناصر می‌گوید: «زمانی که اسرائیل یک کشور را نشانه بگیرد، نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد. اسرائیل به تشدید و تشدید اقدام‌های تحریک‌آمیز ادامه می‌دهد تا آن کشور را به واکنش مجبور کند و زمانی که آن کشور واکنش نشان داد، اسرائیل تمام نیروهایش را علیه آن کشور به کار می‌گیرد، همانگونه که با همکاری فرانسه و بریتانیا در سال ۱۹۵۶ علیه مصر به کار گرفت. همین الگورا در سال ۱۹۸۲ مشاهده می‌کنید که اسرائیل حملاتش را علیه لبنان تشدید

رسیدند به اهداف سیاسی و نظامی خود در جنگ غزه پس از ۱۰ ماه بازمانده بود، آنچنان زمینه شعله‌ور شدن جنگ را بالا می‌برد تا بتواند با رسیدن به یک پیروزی مهم، یعنی ترور دو رهبر بلندپایه حماس و حزب الله، بعد از مداخله طرف‌های بین‌المللی ادعا کند که با پیروزی بزرگی تحت فشار خارجی مجبور به توقف جنگ شده است. نتانیاها می‌دانند که آمریکا چه در اظهارنظرهای علنی و چه در تماس‌های خصوصی تأکید کرده است که علاقه‌ای به مداخله در یک جنگ بلندمدت منطقه‌ای ندارد، در نتیجه نمایش احتمال وقوع چنین درگیری گسترده‌ای می‌تواند آمریکایی‌ها را وادار به مداخله و مهار و کنترل درگیری‌ها کند. با این حال تحلیل‌گران شرایط خاورمیانه با توجه به شواهد موجود و سوابق اسرائیل، تصور می‌کنند که خاورمیانه کاملاً در آستانه جنگ تمام‌عیار قرار گرفته است و کاری از طرف‌های بین‌المللی برای توقف این جنگ بر نمی‌آید. در واقع برخلاف تحلیل فوق‌الذکر، غالب تحلیل‌گران معتقدند که اقدام نتانیاها یا اقدام‌های بعدی ایران و متحدانش نه با هدف توقف درگیری با مداخله طرف‌های خارجی بلکه با هدف تشدید جنگ در خاورمیانه اتفاق افتاده است.

برایان کاتولیس، پژوهشگر روابط خارجی آمریکا در اندیشکده مؤسسه خاورمیانه معتقد است که سیاست آمریکا برای کاهش تنش می‌تواند اثر معکوس در منطقه داشته باشد. وی می‌نویسد: «بازداشتن ایران و همپیمانانش از حمله‌هایی که منجر به یک جنگ منطقه‌ای شود، همیشه با هدف اعلامی کاهش تنش سازگار نیست، چراکه آرایش کاهش تنش گاهی ایران را تشویق می‌کند که حملات تلافی جویانه انجام دهد که با بازاردنگی تناقض دارد.»

کشیدن پای ایران به یک جنگ تمام‌عیار منطقه‌ای

در طول هفته گذشته رسانه‌ها به نقل از منابع آگاه می‌نویسند که میانجی‌های بین‌المللی نتوانسته‌اند مقام‌های ایران را از انتقام جویی نسبت به اقدام اسرائیل منصرف کنند و هر لحظه خاورمیانه منتظر رویداد مشابه یا بزرگ‌تر از پاسخ نظامی ۲۵ فروردین ایران به اسرائیل است. اواخر فروردین ماه سال جاری، ایران در پاسخ به حمله اسرائیل به ساختمان کنسولگری ایران در دمشق، حمله گسترده پهپادی و موشکی علیه تاسیسات نظامی اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین انجام داد. شاید تا پیش از اقدام نظامی ۲۵ فروردین، مقام‌های اسرائیل تصور می‌کردند که اگر اقدامی نظامی علیه اهداف ایرانی انجام دهند، ایران واکنش شدیدی نشان نخواهد داد، اما پس از ۲۵ فروردین معادلات مواجهه نظامی میان ایران و اسرائیل، یک بار برای همیشه تغییر کرد. با این حال چهار ماه پس از زد و خورد قبلی بین ایران و اسرائیل، نگرانی در مورد



شهاب شهسواری

خبرنگار گروه دیپلماسی

نگرانی از تشدید
تنش در خاورمیانه
و گسترش جنگ
در منطقه باعث
شده است تا باز یگران
منطقه‌ای و بین‌المللی
بیش از پیش به
تکاپو بیفتند تا ایران و
حزب الله را از واکنش
شدید به اقدام اسرائیل
منصرف کنند

پس از دو اقدام تروریستی اسرائیل در ایران و لبنان و ترور اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس در تهران و ترور فواد شکر، از رهبران کهنه‌کار حزب الله لبنان در بیروت، تردیدی در میان ناظران باقی نمانده است که جمهوری اسلامی ایران و حزب الله لبنان این اقدام اسرائیل را با پاسخ نظامی قطعی تلافی خواهند کرد. مقام‌های جمهوری اسلامی ایران و دبیرکل حزب الله لبنان در سخنرانی‌های خود پس از این دو ترور هدفمند، صراحتاً برنامه تلافی علیه اسرائیل گفته‌اند.

واکنش نظامی ایران، حزب الله و متحدان منطقه‌ای‌شان به اقدام‌های اخیر اسرائیل می‌تواند خاورمیانه را یک گام دیگر به یک جنگ تمام‌عیار منطقه‌ای نزدیک‌تر کند. این وضعیت در شرایطی پیش آمده است که نزدیک‌ترین متحدان اسرائیل در ماه‌های گذشته تلاش می‌کردند با تحت فشار قرار دادن نتانیاها و او را وادار به توافقی برای آتش‌بس در غزه کنند، مذاکرات آتش‌بس به ازای آزادی اسرای اسرائیلی ماه‌هاست که ادامه دارد اما هر بار با کارشکنی دولت اسرائیل بدون نتیجه می‌ماند. حالا با اقدام‌های تحریک‌آمیز جدید اسرائیل، نگرانی‌ها در مورد تشدید غیرقابل کنترل تنش و گسترش جنگ در سراسر منطقه افزایش پیدا کرده است. هنوز کسی نمی‌داند ایران در چه ابعادی می‌خواهد به ترور هنیه در تهران پاسخ دهد و در برابر، آیا اسرائیل مانند وقایع فروردین و اردیبهشت اسما از واکنش نظامی جدی خودداری خواهد کرد یا منطقه باید منتظر سلسله‌ای از اقدام‌های تلافی جویانه باشد. در شرایطی که ایران و اسرائیل ممکن است وارد چرخه تشدید تنش شوند، هر سوءمحاسبه یا اشتباه از سوی طرفین درگیری به سرعت می‌تواند شرایط را از کنترل خارج کند و باعث شعله‌ور شدن جنگ منطقه‌ای شود.

تشدید قابل پیش‌بینی تنش و احتمال گسترش جنگ در منطقه باعث شده است تا این تلقی در میان برخی از ناظران ایجاد شود که پیش‌بینی‌پذیری جنگ گسترده، باعث می‌شود تا جامعه جهانی برای جلوگیری از چنین جنگی فعال‌تر شود و با واکنش فوری و زمینه‌سازی برای آتش‌بس، جلوی وقوع چنین جنگی را بگیرد. در این چارچوب تلقی این است که پیش‌بینی تشدید بی‌انتهای جنگ در سراسر خاورمیانه باعث می‌شود تا برای جلوگیری از چنین وقایعی طرف‌های بین‌المللی وارد عمل شوند و ایران و اسرائیل را به توقف درگیری‌ها وادار کنند. در این تحلیل نتانیاها که از

